مروری بر سیمای ترنس‌های سینمای ایران

تلاش برای رهایی

گیسو فغفوری: بیش از ۱۰ سال از ساخت فیلم «آینه‌های روبه‌رو» به کارگردانی «نگار آذربایجانی» می‌گذرد. او در اولین گام‌های خود به سراغ موضوعی کمتر پرداخته‌شده در سینمای ایران رفت، «ترنس»بودن! موضوعی که هنوز هم حتی در رسانه‌ها و روزنامه‌ها با احتیاط به آن پرداخته می‌شود. این فیلم دغدغه یک زن کارگردان بود که بیشتر از ایران، در جهان با استقبال روبه‌رو شد. کمتر کسی در جهان با تصوراتی که از ایران ساخته شده، می‌توانست بپذیرد که یکی از قانون‌های حمایتگر جهان متعلق به این کشور اسلامی است و طبق این قانون امکان تغییر جنسیت فراهم شده و پس از عمل امکان عوض‌کردن شناسنامه و هویت جدید فراهم است. شاید در هنگام اکران و ساخت فیلم «آینه‌های روبه‌رو» بسیاری از مردم و مسئولان از این بخش قانون ایران بی‌خبر بودند و شاید این قوانین در مجلس کنونی با حذف بخش‌هایی از آن حمایت‌گری کمتری داشته باشد؛ ولی هنوز بخشی از قانون ایران است، قانونی که سبقه آن به رساله امام (ره) بازمی‌گردد؛ چراکه آیت‌الله خمینی (ره) در سال ۴۳ به مسئله تغییر جنسیت در رساله پرداخته و دراین‌باره ۱۰ مسئله را مطرح کرده است! فیلم «آینه‌های روبه‌رو» به نحوی می‌تواند اولین فیلمی باشد که شخصیتی «ترنس» را با بازی «شایسته ایرانی» در سینمای ایران معرفی کرد، آن هم با زاویه دیدی که هنوز هم پاشنه آشیل بسیاری از افراد است، چالش با خانواده. «ترنس» زنانی که قالب جسمی‌شان با افکار و خواسته‌های‌شان هماهنگ نیست، ناگزیرند با معیارهای خانواده و جامعه همسو باشند، زنانی که بابت این تفاوت با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند و در این فیلم به نقش خانواده و جامعه در رویارویی با این ... [illegible]

غول‌ها و کوتوله‌ها

ترنس‌ها و بحران شناخت خود و بدن

دکتر منصور صالحی، روان‌پزشک: ملال جنسیتی یا ناراضی‌بودن از وضعیت جنسیتی؛ اگر ناهمخوانی بارزی میان جنسیت تخصیص‌یافته و جنسیت تجربه‌شده افراد وجود داشته باشد، به چنین حالتی نارضایتی یا ملال جنسیتی یا «ترنس سکشوالیسم» گفته می‌شود. یک مرد ترنس سکشوال خود را زنی می‌داند که در بدن یک مرد زندانی شده است؛ بنابراین ویژگی‌های زنانه از خود بروز می‌دهد و ممکن است درصدد ... [illegible]

... آن متنفر است و به‌مرور با مشکلات روحی مواجه ... این اتفاق بسیار برایشان سخت است. به هر حال ... که جنسیت فرزند شما با آنچه به دنیا آمده، تطابق ... با بحران‌هایی که با بزرگ‌شدن فرزندشان برایشان ... روان‌پزشک مراجعه می‌کنند و در دیدارهای اول ... [illegible]

زندگی ترنس‌ها در ایران و قوانینی که از آنها حمایت نمی‌کند

انگ انحراف، رنج دیگری بودن

شهرزاد همتی: با آنکه اولین نفرشان که جسارت صحبت‌کردن درباره جنسیتش را داشت، حکم جراحی و زندگی معمولی را از دست امام خمینی گرفت؛ اما هنوز که هنوز است آنها به خاطر فشارهای اجتماعی ترجیح می‌دهند در خفا زندگی کنند و ترس‌ها و تنهایی‌شان را بین خودشان نگه دارند. بعضی از آنها آن‌قدر از قضاوت جامعه و زدن انگ «انحراف» وحشت دارند که تا ابد با دو شخصیت زندگی می‌کنند و هویت جنسی‌شان را حتی برای خودشان هم انکار می‌کنند. هرچند ایران در آسیا جزء پیش‌قراولان اعطای مجوز عمل جراحی تغییر جنسیت برای افراد ترنس سکشوال بود؛ اما به علت عدم آگاهی‌رسانی صحیح هنوز آنها را منحرف یا بیمار می‌خوانند، فعالان حقوق آنها به‌هیچ‌عنوان در تلویزیون جایی ندارند و فیلم‌های کمی هم درباره‌شان ساخته می‌شود. برای خواننده‌ای که ترنس نیست، دنیایی را تصور کنید که در آن هسته وجود شما ناشناخته می‌ماند - در داخل خانواده، اگر وقتی وارد مدرسه می‌شوید، زمانی که به دنبال کار هستید یا زمانی که به خدمات اجتماعی مانند بهداشت و مسکن نیاز دارید. شما هیچ راهی ندارید که به‌راحتی به هریک از مؤسسات و خدماتی که دیگران آن را بدیهی می‌دانند، دسترسی داشته باشید؛ زیرا این انکار وجود شما با نبود اسناد هویتی مورد نیاز برای مشارکت در جامعه بدتر شده است. علاوه‌براین، به دلیل ظاهر بیرونی خود، ممکن است در معرض تبعیض، خشونت یا ترس از آن باشید. افراد ترنس هر روز از زندگی خود این واقعیت‌ها را تجربه می‌کنند. با این حال، مانند همه انسان‌های دیگر، ترنس‌ها از حقوق اساسی برخوردارند: زندگی، آزادی، برابری، سلامت، حریم خصوصی، گفتار و بیان، اما به دلیل ردکردن حق ترنس، دائما با محرومیت از این حقوق اساسی روبه‌رو هستند. چنین محیط‌های تبعیض‌آمیز و طردکننده آسیب‌پذیری اجتماعی را در طول عمر افزایش می‌دهد. افراد ترنس فرصت‌های کمی برای ادامه تحصیل دارند و احتمال بی‌کاری آنها بیشتر است و در نتیجه سطوح بی‌خانمانی و فقر را تجربه می‌کنند. دانش‌آموزان ترنس رنج، تعصب و محیط‌های تهدیدآمیز را در مدارس تجربه می‌کنند که منجر به میزان درخورتوجهی ترک تحصیل می‌شود و تعداد کمی از ترنس‌ها به تحصیلات عالی می‌روند.

روایت آی‌سودا

۲۶ساله است و ساکن کرج. می‌گوید جمعه‌ای که گذشت مورد آزار جنسی در یک میهمانی خصوصی قرار گرفت. آی‌سودا از دوران مدرسه با مشکلات زیادی روبه‌رو بود. با ظاهری که او را مرد صدا می‌کردند؛ اما با هویتی صددرصد زنانه تا سال‌ها رنج کشید. او می‌گوید: «تمایلی به جراحی ندارم؛ چون هم بضاعت مالی ندارم و هم از عوارضش می‌ترسم. وقتی از بدن خودت رضایت داشته باشی و هویت خودت را بشناسی دیگر کافی است. من یک زنم و همان‌طور که می‌بینی چهره‌ام هم کاملا زنانه است. وقتی لباس زنانه می‌پوشم هیچ‌کس حتی شک هم نمی‌کند که من پسر هستم. من روح و فکرم دختر است». آی‌سودا می‌گوید: «همیشه در هر موقعیتی با رفتارهای توهین‌آمیز مواجه می‌شوم. انگار من مقصر شرایط پیش‌آمده هستم. هرچند من جنسیتم را پذیرفته‌ام و ناراحت نیستم؛ اما دیگران با ما کنار نمی‌آیند. کسی صدای ما نیست، ما را سانسور می‌کنند و از کوچک‌ترین حق ابتدایی محروم می‌کنند. همین باعث می‌شود که بسیاری از ترنس سکشوال‌ها کارگر جنسی شوند، این کار را از روی رضایت نمی‌کنند؛ اما کسی به آنها کار نمی‌دهد و همیشه با تمسخر با آنها برخورد می‌کنند. همه اینها باعث می‌شود با وجودی که با جنسیت خودم کنار آمده‌ام، گاهی به جراحی هم فکر کنم. قوانین کشور ما به گونه‌ای است که فرد ترنس حتما باید تحت عمل جراحی قرار بگیرد». آی‌سودا درباره پوشش خود می‌گوید: «وقتی با پوشش زنانه از خانه خارج می‌شوم، امنیت بیشتری دارم؛ ولی گاهی می‌ترسم پلیس دستگیرم کند؛ چون پوشیدن لباس زنانه را برای مردها جرم می‌دانند و من هم مدرکی ندارم که زن هستم. من به این لباس تعلق دارم و زندگی‌ام را پذیرفته‌ام». آی‌سودا حالا مدتی است که از خانواده خود جدا شده است، با اینکه خانواده او حمایتگر بوده‌اند؛ اما به دلیل انگ‌های احتمالی از خانواده جدا شده و در یک آرایشگاه مردانه مشغول به کار است. او در پایان صحبت‌هایش می‌گوید: «با اینکه برادرهایم درکم می‌کردند؛ اما از اینکه جلوی آنها لاک بزنم یا آرایش کنم، خجالت می‌کشم. فکر می‌کنم برای کل خانواده ما این جدایی لازم بود. به هر حال تنها دلتنگی باقی می‌ماند که آن‌هم تقدیر من است. گاهی شب‌ها به خانه می‌روم تا همسایه‌ها من را نبینند و مادرم را سؤال‌پیچ نکنند. آنها هم دوستم دارند و خانواده شریفی دارم، خانواده‌ای شریف اما تنگدست که همیشه من را شرمنده می‌کنند».

من سامانم، سامان ارسطو

سامان ارسطو بازیگر و کارگردان تئاتر ۱۴ سال پیش عمل تطبیق جنسیت یا به قول خودش گذار را انجام داد. او در گفت‌وگویی با «شرق»، دراین‌باره می‌گوید: ترنس سکشوال مریضی نیست؛ حتی اتفاق هم نیست، اختلال هم نیست. یک آدم ترنس به جهان می‌آید. اگر بین اعداد یک تا شش بگوییم که مثلا عدد یک مرد کامل و عدد شش زن کامل هست، می‌توان گفت که ۸۰ درصد نه زن کامل و نه مرد کامل هستند، به دلیل تمایلات‌شان. من معتقدم وزارت بهداشت باید بستری را برای ترنس‌ها فراهم کند.

آنچه شما به‌عنوان ترنس از آن یاد می‌کنید، همان چیزی هست که آن را به‌عنوان اختلال هویتی جنسیتی می‌شناسند. این جمله غلط هست. «اختلال هویت جنسیتی» غلط‌ترین جمله ممکن است. این موضوع اختلال که نیست هیچ، هویت ما و آنچه درون ماست، محسوب می‌شود. من جسمم را تغییر دادم تا با هویتم تطبیق پیدا کند. ترنس سکشوال نه اختلال است و نه مریضی». او در ادامه با ابراز رضایت از انجام عمل جراحی خود می‌گوید: «من به‌شدت از انجام این جراحی راضی هستم. و این جراحی نه تطبیق جنسیت بود و نه تغییر جنسیت. این یک جراحی گذار بود. فردی که می‌خواهد جراحی کند، باید اول هویت خودش را به‌عنوان یک مرد یا زن ترنس بپذیرد. این اولین آگاهی ماست. من بعد از اینکه جراحی می‌کنم مرد نمی‌شوم. من یک مرد ترنس هستم. بگذارید به بیان ساده‌تر توضیح دهم. زن‌بودن یا مردبودن یک کالبد است و ما با این کالبد به دنیا می‌آییم». او درباره عوارض جراحی گذار توضیح می‌دهد: «جراحی در صورتی عوارض دارد که زیر دست یک پزشک ناآگاه انجام شود. هزینه جراحی بالغ بر ۱۳۰ میلیون تومان است و بسیاری از بچه‌ها توانایی پرداخت آن را ندارند. برای همین دست به دامان خیریه‌ها می‌شوند و آنها با مبالغ کم بچه‌ها را زیر دست قصاب‌ها می‌فرستند و با عوارض وحشتناکی روبه‌رو می‌شوند».

ارسطو با اشاره به اینکه کسی که جراحی را انجام می‌دهد باید تا پایان عمر به مصرف هورمون بپردازد، می‌گوید: «انگ به بچه‌های ترنس بسیار زیاد است. خصوصا به ترنس‌های زن. ما در جامعه مردسالاری زندگی می‌کنیم و طبیعتا در چنین شرایطی آنها با انگ‌ها و مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند». ارسطو می‌گوید در این ۱۴ سال وضعیت افراد ترنس نه تنها بهتر که بدتر شده و بخش زیادی از این مسئله را ناشی از بحران و فقدان فرهنگی می‌داند. او اضافه می‌کند: «تا زمانی که هیچ تلاشی برای آگاه‌سازی صورت نگیرد، وضعیت همین است». ارسطو با وجود اینکه خود هنرمند است و طبیعتا انتظار می‌رود که در جامعه‌ای که او کار می‌کند به راحتی پذیرفته شده باشد می‌گوید: «رفتارها متفاوت بود. خیلی از دوستانم کم‌لطفی کردند و من را نپذیرفتند. اما من هیچ وقت کبریت بی‌خطر نبودم و برای همین میزان کارکردن من نسبت به دوران پیش از جراحی کمتر یا بیشتر نشد». او امیدوار است که شرایط فرهنگی برای افراد ترنس بهتر شود و آنها بتوانند زندگی بهتری را در ایران تجربه کنند.

تعطیل‌شدن تنها مرکز حمایتی از ترنس‌ها

بهمن‌ماه سال ۱۳۹۷، روزنامه «شرق»، از وجود مؤسسه حمایتی برای افراد تراجنسیتی خبر داد و با مدیرعامل آن فرشید مسعودی گفت‌وگو کرد. در تماس جدید خبرنگار «شرق» با مسعودی مشخص شد حدود دو سال است که این مؤسسه که تنها امید تعداد زیادی از افراد تراجنسیتی بود، به دلیل اختلاف‌های درون‌سازمانی نیمه‌تعطیل است. مسعودی درباره اینکه چرا با وجود برنامه‌ریزی‌های شما فعالیت انجمن متوقف شد گفت: «شاید از قبل برنامه‌ریزی‌ای نبوده. از زمانی که این انجمن تأسیس شد تا زمانی که من سمت داشتم، به هر حال تغییر و تحولات زیادی در آن اتفاق افتاد و شاید براساس مقتضیات زمان و ... [illegible]

روایت سعید

[illegible]

رهایی از خشونت و تبعیض

[illegible]

ترنس هراسی

[illegible]

ترنس سکشوال‌ها و بحران‌های همیشگی

نسترن فرخه: آدم‌هایی هستند که با بحرانی از جنس هویت پا بر این جهان خاکی می‌گذارند و سال‌ها دوشادوش این درد نامعلوم می‌جنگند و جلو می‌روند.

آدم‌هایی که با بدن و جسم خود بیگانه هستند، ولی هیچ راه فراری را پیش‌روی خود نمی‌بینند و در اغلب موارد شرایط بیرونی مانند خانواده و جامعه هم زخمی تازه‌تر بر پیکر این روح‌های دردکشیده ایجاد می‌کند. خانواده‌هایی که از ترس آبرو، ابزاری به نام سرکوب امیال فرد را در دست می‌گیرند که گاه همین همراهی‌نکردن بلای جان فرد ترنس می‌شود، همچون زن ترنسی از اقلیم کردستان که چندی پیش توسط برادر خود به قتل رسید و خبرهای دیگر که افراد به دلیل گرایش جنسی خود در معرض خشونت و قتل‌های خانوادگی قرار می‌گیرند. موضوعی که سیدحسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، به آن اشاره می‌کند و بر این باور است که این گروه اختلالات هویت جنسی دارند، افرادی که خودشان نقشی در بروز چنین شرایطی نداشته‌اند، اما متأسفانه ذهنیتی به واسطه عدم شناخت این افراد در گذشته وجود داشته که این ذهنیت منفی باعث شده عرصه برای زندگی این افراد تنگ‌تر شود، در صورتی که این افراد مانند بقیه شهروند این جامعه هستند.

در بسیاری موارد این افراد مجبور به عمل جراحی و تغییر جنسیت می‌شوند که همین هم در بسیاری موارد باعث بروز مشکلات روحی و روانی در آنها می‌شود که کاوه قادری، روان‌شناس بالینی، بر این باور است که خیلی‌ها به عمل جراحی ایدئال نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند با عمل همه چیز حل می‌شود، ولی وقتی عمل می‌کنند می‌بینند برخورد جامعه، واکنش دیگران و اختلالات روانی‌شان به قوت خود باقی است، همچنین امکان اینکه بعد از عمل، از جراحی خود راضی نباشد هم وجود دارد که لزوما به کیفیت کار پزشک ارتباطی ندارد.

با وجود اینکه فرد برای تغییر جنسیت و شروع جدیدی از هویت جنسی خود باید پروسه طاقت‌فرسایی از اظهارات ... [illegible]

به‌راحتی مجوز جراحی داده نمی‌شود

[illegible]

گاهی جنسیت جدید افراد در جامعه پذیرفته نمی‌شود

[illegible]

جراحی از جنس دختر به پسر دشوارتر است

[illegible]